

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سروش

۱۶ فبروری ۲۰۲۲

## ۲۶ دلو و ۳۰ اگست روز هزیمت سپاهیان اشغالگر از افغانستان

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی  
دست خود ز جان شستم از برای آزادی  
تا مگر به دست آرم دامن وصالش را  
می دوم به پای سر در قفای آزادی  
«فرخی یزدی»

چهار دهه اخیر تاریخ کشور ما با خون نوشته شده است. از جانبی توسط قدرت طلبان ستمگر بومی به کودتا و جنگ و وحشت کشیده شده و از سوی دیگر توسط زمامداران متجاوز سوسیال امپریالیسم روسی و امپریالیست های اشغالگر امریکائی - ناتوی مورد تجاوز قرار گرفته است. متجاوزان با توحش استعماری اساس و بنیاد ساختار های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه ما را کاملاً نابود ساخته و در یک جنگ ناعادلانه، خانمانسوز و تحمیلی، ریکارد جنایت نابخودنی را در افغانستان از خود بر جای گذاشتند. سرانجام در مجموع طی سه دهه تجاوز کشتار و جنایت در دو نوبت، خود شان هم خوار و زبون و سرافکنده شده و در اوج رسوائی مهین ما را ترک و از سرزمین آبائی ما رانده شدند. طی این چهار دهه اشغالگران و ایادی بومی مزدور و مرتجع شان در تمام عرصه های زیربنائی و روبنائی حیات اجتماعی و برپیکر بی جان ملت و خلق تحت ستم ما ضربات سنگینی وارد کرده اند. استعمار و امپریالیسم لجام گسیخته غرب، همگام و همپا با سوسیال فاشیسم روسی، با تمام قدرت استعماری اش، پس از خروج متجاوزان روسی و سقوط رژیم بر جای مانده از تجاوز آن، بر کشور جنگ زده، ویران شده و فقیر ما حمله کرده و کشور ما را اشغال نظامی کرد.

همان طوری که سوسیال امپریالیسم اشغالگر شوروی در ۲۶ دلو سال ۱۳۶۷ش از افغانستان رانده شد. امپریالیسم متجاوز امریکا و شرکای جرمش شب هنگام و بدون اعلام قبلی و اطلاع مزدوران در نیمه های شب بزدلانه از میدان هوائی بگرام فرار کردند که روند آن به طور عملی و رسمی به تاریخ ۳۰ اگست ۲۰۲۱م تکمیل شده و متجاوزان یانکی با خفت و خواری از کشور ما رانده شدند. با آنهم، این غول متجاوز و متحدانش لحظه ای مردم ستمدیده ما را آرام نگذاشته، با تعویض مهره های چپاولگر و ارگ نشینان فراری، باند مزدور آدمکش، تمامیتخواه و زن ستیز دیگری را از همان قماش نظام پوشالی جهادی و تکنوکراتی اش برای سرکوب خلق بی دفاع ما بر مقدرات مردم ما مسلط ساختند.

امپریالیسم جنایتکار امریکا و شرکاء در همسوئی با ارتجاع منطقه، توطئه گرانه و بیداد گرانه سرنوشت زنان و مردان تحت ستم این کشور را به دست شیفتگان قدرت و منتظر الوزاره های طالبی سپرده و مجدداً امارت جنگلی گرگ های درنده طالبانی را با چنگ و دندان خون آلود به جان زنان و مردن مظلوم کشور ما انداخته اند و خود از آن دوردست ها این درنده خوئی گرگان طالبی را با بی تفاوتی تمام در قبال خون قربانیان و جنایت آشکار گرگان طالبی نظاره می کنند. اگر به گذشته دور برنگردیم، در قرن بیستم سوسیال امپریالیسم جنایت پیشه شوروی و امپریالیست های جنایتکار امریکا و انگریز کهنه کار، در مجموعه ای از کشورهای آسیائی، افریقائی، امریکای لاتین، شرق میانه و به خصوص طی چهار دهه با تجاوز و غارتگری با کشتار و وحشت آفرینی در کشور ما، بیش از ده میلیون انسان را به خاک و خون کشاندند و صد میلیون انسان را از خانه و کاشانه شان آواره و نیمی از بدنه نفوس کشورهای به بند کشیده را از تعلیم و تعلم، از تولید و بازتولید باز مانده اند و سرزمین شان را به سرزمین سوخته مبدل نموده اند. امپریالیست ها با حضور عساکر و نظامیان متجاوز خود و با عمل پلید تربیت یافته خود، در مجموعی از کشورهای اشغال شده، خلق های زیر ستم را در قید و اسارت سوداگران مرگ، باند های مافیای مواد مخدر، تروریستان و نظامیان غارتگر اسیر نموده اند، که از آن میان خلق زجر کشیده ما هم از این امر مستثنی نبوده و در محراق فاجعه آفرینی هدفمند امپریالیسم و مزدوران گوناگون آن به شمول اجیران فاشیست طالبانی آن، قرار داشته است.

خلق ما با تهی دستی و درماندگی ناشی از جنگ های تحمیلی تجاوزکارانه، کشتار عامدانه جمعی، جنایت سیستماتیک و ویرانگری متجاوزان امپریالیست روسی و امریکائی - ناتوئی، با فقر و گرسنگی، با زندگی بخور و نمیری که دارند، از قتل و غارت و از تجاوز دو جهانخوار با متحدانش در چهل و سه سال تمام گوشت دم توپ سلاخان مزدور و هدف بمب و راکت و ستم و تعدی واقع شده و درد و عذاب می کشد.

مطمناً تمام این مصیبت های وارده ریشه در لشکرکشی اشغالگران روسی در ششم جدی سال ۱۳۵۸ش به کشور ما دارد. نه سال تمام حضور اشغالگران قاتل سوسیال امپریالیسم روس و چهارده سال تمام حاکمیت ددمنشانه باند جلادان مزدور و رویزیونیست ضد انقلابی "خلق و پرچم" و بیست سال حضور نظامی امپریالیسم امریکا - ناتو با لشکر و سپاه مجهز با مدرن ترین و مرگبار ترین سلاح کشتار انسان های این سرزمین بلاکشیده از هوا و زمین بر کشور و خلق ما تاخته و بر حریم کشور ما تجاوز کردند. سوسیال امپریالیسم جنایتکار و قاتل روسی و جلادان و مزدوران قدرت طلب "خلق - پرچمی" برای بقای شان به همه اشکال نفاق افکنی ها و استخوان شکنی ها دامن زدند و با جنگ و درگیری علیه خلق بی دفاع افغانستان، تاریخی از جنایت را رقم زدند. با این حال، در ۲۶ دلو سال ۱۳۶۷ش ۳۳ سال پیش در همین روز قشون متجاوز و لجام گسیخته سوسیال امپریالیسم روسی پس از قتل و غارت و ویرانگری در وطن محبوب ما، سرانجام زیر فشار و مقاومت خلق قهرمان و ملت سلحشور با سرافکنندگی و تلفات سنگین انسانی و خسران هنگفت مالی و با شکست آشکارا و فرار نظامیان از روی "پل دوستی" و مسیر "تورغندی" با خفت و شرمساری، به اشغال نظامی وطن ما پایان دادند. این روز شکست و فرار عساکر و قشون "شکست ناپذیر" سوسیال امپریالیسم روسی - این بیر کاغذی - برای مردم آزاده افغانستان روز ماندگار و بیان تاریخ حماسی مقاومت جانبازان و قهرمانان شجاع افغانستان است که تاي پای جان در برابر ببرکاغذی ایستادند و نشان دادند که ماشین جنگی و کشتار به ظاهر مهیب آن، به قول سردار آزادی زنده یاد "مجید"، چندان "مهیب" هم نبود.

امروز بار دیگر پس از بیست سال اشغالگری و جنایت و ستم مشترک با ارتجاع بومی در حق کشور و خلق دربند و مظلوم افغانستان، اشغالگران قاتل امریکائی - ناتوئی همانند سلف شوروی شان با ناتوانی و خفت خواری از کشور ما بزدلانه در نیمه های شب فرار کردند و باندی از مزدوران تبهکار، خودفروخته و آدمکش طالبی را از همان قماش

نظام پوشالی مرکب از جلادان و مزدوران جهادی و دزدان تکنوکراتی را به جای آنان، بر سرنوشت چهل میلیون انسان بی گناه و بی دفاع کشور ما تحمیل کردند و روز های فاجعه بار و ننگین "هفتم ثور"، "ششم جدی"، "هشتم ثور" و "هفتم اکتوبر"، با به حاکمیت رساندن مزدوران قرون وسطائی طالبان هیتلری توسط اشغالگران امریکائی - ناتوئی بر دوش زخمی ملت و بر سرنوشت خلق ستمدیده ما در پانزدهم اگست ۲۰۲۱م، تکرار شد.

زمینه های برگشت مجدد حاکمیت پوشالی ضد ملی و ارتجاعی دره و سنگسار فاشیست های تمامیت خواه و شوونیست طالبانی در افغانستان برمی گردد به کودتای هفت ثور و ششم جدی سال ۱۳۵۸ش. آری، با چهارده سال مقاومت و جانفشانی های خلق افغانستان که محصولش شکست سوسیال امپریالیسم اشغالگر و آدمکش روسی و شرکاء را در پی داشت، ارتجاع دینی و مزدوران جهادی و طالبی بر وفق مراد اربابان شان جنگ قدرت را در کشور به راه انداختند که محصولش فقر، گرسنگی، اسارت، کشتار، ویرانی، هتک حرمت، نقض صریح حقوق بشر، تقویت ارتجاع سیاسی و فرهنگی، غارت و چپاول و بالاخره "امارت ددمنش اسلامی" مزدور و تحمیل شده گرگان و دد و دام طالبی از بیرون است که در افغانستان طالب زده قانون جنگل را حاکم ساخته و خلق افغانستان را با بی رحمی و درنده خوئی تمام به اسارت و گروگان گرفته و تعداد زیادی را تکه و پاره و صد ها هزار دیگر را به اجبار بی خانمان و آواره کوه و بیابان و دیار ناشناخته ساخته است؛ مصائب تحمیلی بی پایانی که در آینده نزدیک پایانی برای آن متصور نیست.

باند های مزدور و مرتجع چه "خلق و پرچم" و چه مجاهد، تکنوکرات و طالب در کل حقوق حقه خلق ستمدیده افغانستان شامل زنان و مردان را نادیده گرفته و ملک و ملت را به اربابان بیرونی امپریالیست و مرتجع شان فروختند و می فروشند.

خلق مبارز و در خون نپییده افغانستان در طی چهل و سه سال مخالفت و مقاومت علیه ستم، تجاوز، جنگ، اسارت و اشغالگری متداوم، بنا به دلایل متعددی نتوانسته است که از شر سلطه زورگوی استعماری و سلطه ستمگر طبقاتی، چور و چپاول و حالت بی حقوقی در تحت نظام های مزدور پوشالی و اسبندادی - ارتجاعی، رهائی یابد. هرگاه این خلق قهرمان در رأس مبارزات خود سازمانی مبارز و آگاه با رهبرانی مسؤول و پیشتاز انقلابی، آزادیخواه را می داشت و جنایتکاران سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم قاتل و جلادان "خلق - پرچمی" و اخوانی، چنین رهبران آگاه و جانباز را از پیشاپیش صف خلق ما نمی ربود، امروز تاریخ این کشور طور دیگری نوشته می شد و زندگی اش مسیر دیگری را می پیمود.

این نکته مهمی است و هم اکنون که دست نشاندگان امپریالیسم جنایت پیشه امریکا و متحدانش به کشور ما با سببیت و جباریت بر حریم کشور ما از بیرون گسیل شده و بر زندگی میلیون ها زن و مرد ستمکش تحمیل شده اند و با روش های حذف و انکار موجودیت نیم جمعیت (زنان) و اعمال نگرش و روش های تمامیتخواهانه، برتری طلبانه، شوونیسم قومی - جنسیتی و اپارتاید جنسی در عملکرد و سیاست های این گروه و امارت ددمنش و فاشیستی آن؛ مبارزه و دادخواهی آزادیخواهانه آحاد منزجر و متنفر ملت و رزم حق طلبانه، برابری خواهانه و طبقاتی مجموع ستمکشان و طبقات و اقشار زحمتکش تحت ستم و استعمار جامعه ما اعم از زن و مرد در تقابل با این گروه و حاکمیت تراز فاشیستی آن، از اهمیت خاصی برخوردار است. هرگاه باز هم خلق مظلوم ما بدون سنگر، پناهگاه و ستاد رزمنده خود، یعنی تشکل و سازماندهی بماند؛ این همه تکاپو، دادخواهی و تنفر و انزجار مردم ما از توحش امارت اسلامی طالب، نگرش برتری طلبانه و رویکرد های تبعیض آمیز و ضد انسانی آن در قبال زنان همراه با سلطه و ستم طبقاتی ارتجاع حاکم و سلطه نواستعماری پشت جبهه امپریالیستی - ارتجاعی گروه طالبان و "امارت اسلامی" آن در افغانستان ستمزده امروزی، بدون محصله خواهد ماند، که چنین مباد!

لذا، در چنین وضعیت جاری دردانگیز و ابتری، نخستین وظیفه کلیه نیروها و نوات راستین و جدی آزادیخواه، دموکرات و برابری طلب انقلابی کشور به شمول مدافعان راستین حقوق زنان؛ کار به گونه انتقادی و سازنده و با روحیه "وحدت - مبارزه - وحدت" هم در جهت (تحکیم - تداوم) و یا (بازسازی - استحکام - تداوم) تشکل های مبارزاتی موجود و تضعیف شده و هم از طریق آن و به موازات آن، تلاش جمعی با وسعت نظر و چشم انداز و برنامه صریح حداقل دموکراتیک برای ایجاد یک تشکل سرتاسری و کارآی دموکراتیک و ملی، بر پایه منافع تخطی ناپذیر ملی و تاریخی خلق ستمکش افغانستان در کل و داعیه رفع ستم از زنان بی حقوق کشور، است.

**آزادی زنان و مردان ستمکش کشور در گروه اتحاد آگاهانه مبارزاتی آنان است!**

**زنان نیمه بشریت اند و آزادی زنان بخشی جدائی ناپذیر از آزادی ستمکشان است!**

**نابود باد سلطه زورگوی طبقاتی و نواستعماری طالبانی از دوش خلق ما!**